

سهرغرب، گروه ریحانه آفرینش - طاهره ترابی‌مهوش؛ در گفت‌وگو با دانش‌آموخته

دکتری مطالعات زنان مشخص شد؛ رویکردهای اقتصادی و سیاسی، آسیب جشنواره‌های انتخاب زنان شاخص است.

با توجه به رشد سریع اجتماعی و اقتصادی ایران، نقش بانوان در توسعه و پیشرفت کشور بیش از پیش محسوس شده، بانوان ایرانی در سال‌های اخیر با تکیه بر دانش، توانایی و خلاقیت خود، در عرصه‌های مختلفی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

بر این اساس نیاز به برگزاری رویداد استانی و ملی که این دستاوردها را به جامعه معرفی کند و نقش الگوهای موفق را برجسته سازد، بسیار ضروری است. پس طی این سال‌ها جشنواره‌هایی برگزار شده تا بتواند به‌عنوان پلی میان نسل‌های مختلف بانوان ایرانی عمل کرده و فضایی را برای تبادل تجربه و دانش فراهم آورد. برگزاری درست این جشنواره، می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه باشد و نقش بانوان را در این فرآیند تقویت کند.

به دیگـر سخـن ارزش‌آفرینی در بستر این جشنواره‌ها به معنای ایجاد ارزش‌های جدید در یک جامعه یا سازمان است که می‌تواند در قالب محصولات، خدمات، دانش، فناوری یا حتی تحولات فرهنگی و اجتماعی باشد. این مفهوم نشان‌دهنده توانایی افراد و گروه‌ها در تغییر و بهبود وضعیت موجود از طریق خلاقیت، نوآوری و استفاده بهینه از منابع است.

تاریخ ایران مملو از بانوانی است که در عرصه‌های مختلف به فعالیت‌پرداخته و تأثیرات عمیقی بر جامعه و فرهنگ کشور گذاشته‌اند. این بانوان نه‌تنها در دوران‌های مختلف تاریخی به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند، بلکه در دوران معاصر نیز با تلاش و پشتکار خود توانسته‌اند در زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و اقتصادی به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند، بنابراین با تکیه بر این توانمندی‌ها این جشنواره می‌بایست به‌دنبال معرفی این افراد به‌عنوان الگو به نسل جوان باشد.

بنابراین با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا درخصوص آسیب‌شناسی برگزاری جشنواره‌های مختلف انتخاب زنان شاخص، با کتایون مصری؛ پژوهشگر و دانش‌آموخته دکتری مطالعات زنان و رسانه گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانای:

رویکردهای اقتصادی و سیاسی؛ آسیب جشنواره‌های انتخاب زنان شاخص

■ **طی چند سال اخیر مباحث مختلفی در حوزه توانمندسازی زنان مطرح شده که یکی از آن‌ها، معرفی زنان شاخص در قالب جشنواره‌های مختلف بوده. امروز می‌خواهیم درباره ضرورت و آسیب‌های معرفی زنان شاخص در این جشنواره‌ها گفت‌وگو کنیم. اگر امکان دارد، نظراتان را در این زمینه بیان کنید.**

در حقیقت، نگاه من به برگزاری این جشنواره‌ها انتقادی است، هرچند ضرورت آن را کاملاً لازم و مفید می‌دانم.



این موضوع از چند منظر قابل تحلیل است؛ بنابراین در گام نخست به ضرورت و اهمیت برگزاری این رویدادها می‌پردازم زیرا این جشنواره‌ها، به‌ویژه اگر معیارهای دقیق‌تری داشته باشند و زنان را در حوزه‌های مختلف و متنوع معرفی کنند، مفید هستند، چراکه به زنان کمک می‌کنند تا از جایگاه‌های تعریف‌شده و کلیشه‌ای فاصله گرفته و علاوه بر نقش‌های سنتی مانند همسر و مادر، در حوزه‌هایی که مورد نیاز منطقه، استان، شهر یا روستایشان است، فعالیتی درخور داشته باشند که این موضوع بسیار ارزشمند است.

نکته بعدی اینکه با معرفی زنان، به جامعه نشان می‌دهیم که نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند که بسیاری از آن‌ها، حتی در دورترین نقاط کشور، فعالیت‌های بسیار مفیدی دارند به طوری که امروز شاهد آن هستیم که حتی در حوزه‌هایی که مردان شاید نتوانند وارد شوند، بانوان پررنگ و مؤثر حضور دارند؛ بنابراین این جشنواره‌ها می‌توانند به شناسایی و معرفی این زنان کمک کنند.

مسئله مهم‌تر در گام بعدی، توانمندسازی زنان است. این جشنواره‌ها نه‌تنها برای زنان، بلکه

برای دختران و پسران و به‌طور کلی نسل آینده نیز می‌توانند الهام‌بخش باشند، از طرفی در این جشنواره‌ها طرح ایده‌های نو برای توانمندسازی زنان در حوزه‌های مختلف، می‌تواند بسیار مثرترم باشد؛ بنابراین از این منظر، جشنواره‌ها دریچه‌ای برای باز کردن در به روی ایده‌های نو هستند.

امروز زنان در حوزه‌های مختلفی مانند خیریه، توانمندسازی، کارآفرینی، هنر، فرهنگ، نویسندگی و حتی حوزه‌های سخت‌تری مانند پرورش دام و طیور یا کشاورزی فعالیت می‌کنند اما متأسفانه بسیاری از آنان شناخته‌شده نیستند. بنابراین، شناساندن آن‌ها و استفاده از توانایی‌هایشان برای آموزش دیگران، باعث می‌شود افراد بیشتری در این حوزه‌ها فعال شوند.

■ **مهم‌ترین آسیب وارده به این جشنواره‌ها چیست؟**

مهم‌ترین نقدی که به این جشنواره‌ها وارد است، رویکردهای اقتصادی و سیاسی است چراکه متأسفانه گاهی انتخاب‌ها بر اساس معیارهای ناعادلانه انجام می‌شود و بسیاری از زنان شایسته از این جشنواره‌ها حذف می‌شوند، این در حالی است که برخی معتقدند که مؤلفه‌ها یا استانداردهای تعریف‌شده برای انتخاب بهترین‌ها، جامعیت لازم را ندارند.

آنچه مسلم است اینکه جشنواره‌ای که در غرب کشور برگزار می‌شود، باید با آنکه در شمال ایران به‌صورت سراسری برگزار می‌شود، تفاوت داشته باشد؛ بنابراین، قبل از این رویداد، نیاز به مطالعات دقیق داریم، متأسفانه با وجود اینکه گاهی بودجه‌های خوبی به این جشنواره‌ها اختصاص می‌یابد، اما کارهای مطالعاتی لازم آنطور که باید انجام نمی‌شود.

■ **انتخاب معیارهای بوم و خاص**

● به انجام مطالعات دقیق قبل از برگزاری جشنواره‌ها، و تعریف استانداردهای خاص برای هر منطقه اشاره کردید، به‌نظر شما، شاخص‌هایی که این معیارها را مشخص می‌کنند، چگونه باید انتخاب شوند؟
طور می‌توانند به نقش زنان در عرصه‌های مختلف کمک کنند؟

در این بین یک سری شاخص‌های عام وجود دارد که می‌توانند در این زمینه کمک‌کننده باشند اما کسی که می‌خواهد جشنواره‌ای را مثلاً در استان‌های غرب ایران برگزار کند، باید به‌صورت میدانی در آن منطقه حضور داشته باشد و حداقل یک ماه زمان بگذارد تا معیارها و

ریحانه آفرینش

ریحانه آفرینش، گروه ریحانه آفرینش - طاهره ترابی‌مهوش؛ در گفت‌وگو با دانش‌آموخته

مؤلفه‌های لازم را استخراج کنند. ازجمله شاخص‌های کلی که می‌توانند کمک کنند، خلاقیت است؛ فردی که در کارش خلاقیت دارد، می‌تواند از دیگران متمایز شود؛ ما زنان زیادی داریم که کارهای مشابه انجام می‌دهند، اما خلاقیت می‌تواند یک معیار عام برای انتخاب باشد.

شاخص دیگر نوآوری است زیرا نوآوری در کارها می‌تواند به زنان کمک کند تا از دیگران پیشی گرفته و در جشنواره‌ها مورد تقدیر قرار گیرند. با این وجود چنانکه گفته شد این‌ها برخی از معیارهای کلی هستند، اما برای هر منطقه، باید شاخص‌های خاصی نیز در نظر گرفته شود تا جشنواره‌ها بتوانند به‌درستی نقش زنان را در عرصه‌های مختلف برجسته کنند.

ازجمله معیارهای خاص می‌توان به جامعیت کار اشاره کرد، اینکه «چقدر توانسته‌اند کار خود را به دیگران معرفی کنند؟ به تجربی‌تر چقدر در سطح استان، شهرستان یا حتی کشور دیده شده‌اند بدون اینکه خود فرد شناخته شده باشد؟ نوع کار و زمینه فعالیت مورد توجه قرار گرفته؟ کار آن‌ها چقدر به نیازهای جامعه پاسخ داده؟» یک معیار کلیدی است. به‌عنوان مثال، ممکن است هزاران نفر باشند که در کار خود خلاقیت دارند، اما فردی که در تولید ملی نقش دارد و حتی یک قدم کوچک در این زمینه برمی‌دارد، با دیگران بسیار متفاوت است.

از طرفی سابقه کار نیز بسیار مهم است؛ باوجود اینکه افراد جوان و خلاق باید مورد توجه قرار گیرند اما فردی که سال‌ها عمر خود را صرف یک راه کرده، بارها شکست خورده و بی‌توجهی دیده، خود یک معیار خاص با اهمیت است؛ بنابراین تجربه نیز می‌تواند به‌عنوان یک شاخص خاص در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر اینکه فرد چقدر توانسته دیگران را تحت تأثیر قرار دهد، چقدر به رشد و پیشرفت اطرافیانش کمک کرده، نیز مهم است؛ برای مثال ممکن است یک بانو یک نویسنده یا مانند شما یک روزنامه‌نگار باشد، اینکه مطالبی که نگاشته چقدر توانسته بازخورد مثبت از جامعه بگیرد، نیز اهمیت بسیاری دارد، به دیگر سخن اثربخشی یا به قول معروف کارآمدی کار او، باید توسط دیگران دیده شود، چه از نظر تعداد و چه از نظر کیفیت کار؛ بنابراین همه این‌شاخص ها معیارهایی هستند که می‌توان به آن‌ها توجه کرد، چراکه

این معیارها می‌توانند به تقویت نقش زنان در عرصه‌های مختلف کمک کنند، زیرا واقعیت این است که وقتی زنی وارد یک حوزه می‌شود، قطعاً سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشته و موانع بسیاری را تجربه کرده تا به مرحله تثبیت برسد؛ پس با تقدیر از چنین فردی، نه‌تنها روحیه او را تقویت می‌کنید، بلکه الگوسازی نیز می‌کنید.

این الگوسازی به دیگران نشان می‌دهد که اگر تلاش و از موانع عبور کنند، می‌توانند مانند این فرد، در سطح سراسری، استانی، محلی یا حتی در روستای خودشان مورد تقدیر قرار گیرند، پس این موضوع قطعاً به مشارکت بیشتر زنان کمک می‌کند؛ چراکه کسی که نخستین قدم‌ها را برمی‌دارد، قطعاً با سختی‌های زیادی روبه‌رو می‌شود، اما وجود الگوها به دیگران نشان می‌دهد که می‌توانند راه او را ادامه دهند و بر اساس علاقه‌ای که به رشته‌های مختلف دارند، پیشرفت کنند.

■ **لرزم رصد خروجی جشنواره‌ها**

جشنواره‌ها نباید فقط به یک رویداد محدود شوند، بلکه باید پیگیر باشند و تکرار شوند، جشنواره باید از یک سال به سال بعد، یا حتی از یک ماه به ماه بعد، خروجی داشته باشد، دائماً رصد کند که اگر فردی را انتخاب کرده‌اند، چقدر دیگران به آن شاخه پیوسته‌اند. این کار باعث افزایش اثربخشی جشنواره می‌شود و مشارکت زنان را نیز افزایش می‌دهد.

● رسانه‌ها چه نقشی در معرفی زنان شاخص در جشنواره‌ها دارند؟

اینکه نحوه پوشش رسانه‌ای رویدادها چقدر می‌تواند بر تصویر عمومی زنان تأثیر بگذارد، پرسش مهمی است. پاسخ در خود سؤال نهفته است، قطعاً رسانه‌ها تأثیرگذار هستند، اما متأسفانه اخبار مربوط به زنان معمولاً در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرد و به‌ندرت به عنوان اخبار درجه یک مطرح می‌شود.

تأسف‌برانتر اینکه در بسیاری از مواقع اخبار حوزه زنان حتی در رده‌های پنجم یا ششم خبرها نیز قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه یک سلبریتی باشد یا اینکه در حوزه‌هایی مانند سینما فعالیت کند. بحث اصلی ما این است که رسانه‌ها باید اجماع داشته و به نقش زنان در جامعه بیشتر توجه کنند.

این موضوع به انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها و دفاتر خانه مطبوعات در شهرستان‌ها برمی‌گردد اما متأسفانه بسیاری از این انجمن‌های صنفی و

- دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۳**
- سال هفدهم - شماره ۳۰۸۹**

رویکردهای اقتصادی و سیاسی؛ آسیب جشنواره‌های انتخاب زنان شاخص

محلی آموزش ندیده‌اند و هنوز نمی‌دانند که چه قدرت ویژه‌سازی و تبلیغاتی بالایی دارند چراکه آن‌ها می‌توانند از ابزارهای خود برای ارتقای جایگاه زنان استفاده کنند، اما این کار به‌درستی انجام نمی‌شود.

البته امروز ما از این مرحله عبور کرده‌ایم و خود زنان می‌توانند از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند. آن‌ها می‌توانند گروه‌های تلگرامی، واتس‌اپی یا صفحات اینستاگرام ایجاد و از این طریق خود را به جامعه معرفی کنند، این شبکه‌های تعاملی و سایبری ظرفیت‌های بزرگی هستند که می‌توانند جایگزین رسانه‌های جریان اصلی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون شوند. اگر ما بتوانیم از این ظرفیت‌ها به‌درستی استفاده کنیم، حتی اگر رسانه‌های اصلی به ما بی‌توجهی کنند، خودمان می‌توانیم نقش زنان را در جامعه برجسته و آن‌ها را به جامعه معرفی کنیم این هنر استفاده از فرصت‌هایی است که امروز در اختیار ما قرار گرفته است.

■ **تأکید بر معیارهای سنتی؛ تقویت نابرابری جنسیتی**

● به‌نظر شما، جشنواره‌های معرفی زنان شاخص می‌توانند به تحقق برابری جنسیتی کمک کنند یا ممکن است به نوعی باعث ایجاد تمایز و جداسازی جنسیتی شوند؟

در پاسخ به این پرسش توجه به اهداف این جشنواره‌ها بسیار حائز اهمیت است. من فکر می‌کنم اگر جامعه‌ای، استانی، شهرستانی یا حتی یک منطقه‌ای جشنواره‌ای برگزار می‌کند، باید از بسیاری از کلیشه‌ها عبور کرده باشد به دیگر سخن وقتی ما به معیارهای گزینش زنان توجه می‌کنیم، باید ببینیم که بر اساس چه معیارهایی این زنان موفق انتخاب شده و مورد تقدیر قرار می‌گیرند زیرا متأسفانه گاهی اوقات رسانه‌ها و جشنواره‌ها به جای معرفی زنان موفق در حوزه‌های تخصصی و پیشرفته، به معرفی الگوهای سنتی می‌پردازند.

به‌عنوان مثال، در بلوچستان زنانی هستند که با سوزن و نخ، رنگ و منجوق، شاهکارهای هنری خلق می‌کنند؛ این‌ها توانمند و خلاق بوده و باید بیشتر دیده شوند. پس معیار انتخاب زنان در جشنواره‌ها بسیار مهم است، اگر معیارها درست انتخاب شوند، این جشنواره‌ها می‌توانند به تحقق برابری جنسیتی کمک کنند، اما اگر معیارها بر اساس کلیشه‌های سنتی باشد، ممکن است حتی باعث تقویت نابرابری جنسیتی شود.

زنان چه نقشی در مدیریت وضعیت اقتصادی یک خانواده دارند؟

مادر مدیر خانه و خانواده

بردارند: «درآمد محدود است و هزینه‌ها سر به فلک کشیده؛ آن‌وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ تنش! مرد از این وضعیت کلافه است. فرزندان مدام خواسته‌هایشان را تکرار می‌کنند و از والدین خود انتظاراتی دارند. در این میان، آن کسی که می‌تواند با مدیریت عاقلانه خودش، اوضاع را کنترل کند و کمی از بار روانی اعضای خانواده بردارد، مادران هستند.»

مرتضی پدریان تأکید می‌کند که وظیفه بسیار سختی است و اگر زنان و مادران نتوانند به‌خوبی از عهده چنین مسئولیت بااهمیت و دشواری برپاییند، اتفاقات ناخوشایندی گریبانگیر جامعه خواهد شد: «چه بسیار مواردی که به‌دلیل همین تنش‌های ناشی از فشار اقتصادی، به طلاق و ازهم‌پاشیدن خانواده منجر شده. از طرف دیگر، طول ماه، می‌تواند بخشی از وضعیت اقتصادی خانواده را نسبت به میزان درآمد آن خانواده، بهبود بخشد؛ اتفاقی که تنها از پس زنان برمی‌آید و س!»

● **همن قریب**

«دریک سیستم، همه اجزا با همدیگر در ارتباط هستند و اگر یک جزء دچار مشکل شود، کل سیستم تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ چیزی شبیه به فعالیت بدن انسان که نقص در یک عضو، همه اعضا را به تکانی می‌اندازد.» مثالی که جامعه‌شناس آن را تشبیه به سیستم جامعه و نقص اقتصادی می‌کند که می‌تواند دیگر

سیمه گلیور، ادامه داد: هر چند عدم انطباق حداقل دستمزد در سال‌های اخیر یعنی پدیده سرکوب مزدی، کارگران مرد را برای تأمین حداقل‌های معاش متناسب با افزایش تورم کنترل شده به سمت ترک مشاغل رسمی در کارخانه‌ها و... گسیل داده و آمار آنان را در اشتغال غیر رسمی چندین برابر کرده ولی میدان

صنفی کارگران با اشاره به افزایش مشاغل رسمی زنان همزمان با افزایش مشاغل غیر رسمی مردان گفت: از آنجایی که حداقل دستمزد بسیار کم و جوابگوی هزینه‌های خانوار نیست، جمعیت زنانی که جایگزین مردان در کارخانه‌های شده‌اند افزایش یافته و این به معنی این است که زنان کمک هزینه مردان در هزینه‌های زندگی هستند. سیمه گلیور، ادامه داد: هر چند عدم انطباق حداقل دستمزد در سال‌های اخیر یعنی پدیده سرکوب مزدی، کارگران مرد را برای تأمین حداقل‌های معاش متناسب با افزایش تورم کنترل شده به سمت ترک مشاغل رسمی در کارخانه‌ها و... گسیل داده و آمار آنان را در اشتغال غیر رسمی چندین برابر کرده ولی میدان مشاغل رسمی کارگری را برای زنان جویای کار که حاضرند با حداقل ناعادلانه مزد در کارخانه‌ها اشتغال داشته باشند را به طرز عجیبی بالا برده، این یک آسیب جدی برای جامعه کارگری است.

■ **وقت‌گشی کارفرمایان در جلسات مزدی با**

سیمه گلیور، ادامه داد: هر چند عدم انطباق حداقل دستمزد در سال‌های اخیر یعنی پدیده سرکوب مزدی، کارگران مرد را برای تأمین حداقل‌های معاش متناسب با افزایش تورم کنترل شده به سمت ترک مشاغل رسمی در کارخانه‌ها و... گسیل داده و آمار آنان را در اشتغال غیر رسمی چندین برابر کرده ولی میدان

حربه دستمزد منطقه‌ای وی اظهار کرد: کارفرمایان در جریان مهاجرت نیروی کار مرد از مشاغل رسمی به سوی مشاغل غیر رسمی به جذب و استخدام نیروی کار زنان روز آورده اند زنان کارگری که علیرغم نیازهای شدید معیشتی اولوپیشان امنیت فضای شغلی برای اشتغال زنان می‌باشد تا در محیطی رسمی‌تر که آسیب‌های اجتماعی کمتری دارد اشتغال داشته باشند حتی اگر حقوق مکفی نباشد. وی افزود: بر همگان روشن است که دیگر با حقوق یکنفر چرخ‌های سنگین تأمین معیشت خانواده نمی چرخد و لذا زنان دوشادوش مردان آستین‌ها را بالا زده‌اند تا کمک خرج همسران و پدرانشان باشند. کمک‌خرج، در اصطلاح رایج زنان کارگری که همسرانشان در مشاغل غیر رسمی با همه مشقات آن ماهیانه حداقل سی میلیون تومان از راه جمع‌آوری ضایعات و تاکسی‌های اینترنتی و ده‌ها شغل غیررسمی دیگر کسب درآمد می‌کنند حقوق هفت تا ۱۰ میلیون زنان کارگر

در کارخانه‌ها تبدیل به کمک‌خرج خانوار شده است. این امر یعنی افزایش حضور زنان کارگر در کارخانه‌ها با حقوقی پایین‌تر از سبد معیشت و نرخ تورم که به‌علت شرایط بد اقتصادی کارگر زن را وادار به اشتغال با مزد ناعادانه می‌کند از سوی دیگر به منزله افزایش امنیت کارفرمایان از اعتراضات کارگری می‌باشد. رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران بیان کرد: کارگران زن بنا به شرایط فرهنگی و اجتماعی و سازگاری بالا بخاطر حفظ دریافت همین حداقل حقوق کمتر از وضع موجود رسمی یا غیر رسمی شکایت می‌کنند و بنابراین برای حفظ امنیت کارفرمایان هم که شده جذب این نیروهای کارآمد، آبرومند، در مضیقه مالی قرار گرفته و خالی از لطف نخواهد بود. گلیور گفت: فارغ از اینکه حقیقتاً چه تعداد از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با رعایت ضوابط استخدام کارزان پایبند هستند و شرایط بارداری، شیردهی، مهد کودک، قوانین تقلیل ساعت کاری و ده‌ها

قانون دیگر را رعایت می‌کنند و اساساً مگر وزارت تعاون کار و راهه اجتماعی که وظیفه نظارت بر این حوزه را دارد، نیروی کافی برای این نظارت دارد؟ وی اظهار کرد: فراموش نکنیم نبود مادران در خانه و حتی بازگشتشان از کارخانه‌ها که با احساس اضافه کاری بعضاً بعد از بدتران اتفاق می‌افتد چه آثار مملکی بر سلامت و امنیت خانواده‌ها خواهد زد و نبود این عنصر تربیتی در خانواده و بالتبع آثار مخرب آن در جامعه و سپردن امر خطیر تربیت به فضای مجازی آن هم بخاطر تأمین معاش خانوار اثرات مملکی بر نسل آینده و بنیان خانواده‌ها خواهد گذاشت. فارغ از اینکه تعداد زیادی از این کارگران زن اساساً سرپرست خانوار هستند و هم پدر و هم مادرند و همچنین بسیاری دیگر از آنان مجرد هستند و به‌دلیل همین مسئله نیاز به کمک‌خرجی که نامش حداقل دستمزد هست از اساس فرصت‌های ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند.

سپهرغرب، گروه ریحانه آفرینش؛ چرا با افزایش مشاغل غیررسمی در کارگران مرد شاهد افزایش مشاغل رسمی در کارگران زن هستیم؟ پاسخ این است که حداقل دستمزد کفاف هزینه‌های زندگی

را نمی دهد، همین موضوع باعث رشد مشاغل غیررسمی در مردان و اشتغال رسمی زنان به عنوان کمک خرج شده است.

رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی انجمن‌های